

Future scenarios for the spread of extremism in Central Asia and coping strategies

Ayoub Nikunahad^{1*}
Maliheh Ramezani²

Received on: 20/02/2021
Accepted on: 04/08/2021

Abstract

Despite the fact that in the current situation, the West Asian region is one of the main centers of crisis in world politics, but due to the existence of suitable grounds for the spread of Islamic extremist ideas in regions such as Central Asia, it makes it possible that, in the future, and on a large scale, this region will become one of the focal points of the crisis. The present study seeks to answer the following questions: What are the main contexts for the spread of Islamic extremism and radicalism in the Central Asian region? What are some possible scenarios for the expansion of extremist groups in Central Asia? Given the geopolitical position of these countries and proximity to the borders of the Islamic Republic of Iran, what strategies can be put on the agenda to counteract the growth of extremism in this region and prevent the dangers of its growth on the national security of the Islamic Republic of Iran? The tool for answering the questions will be a combination of two methods of causal layer analysis and scenario writing. Research findings suggest that given all the territorial proximity between Central Asia and northern Afghanistan, lack of political development and repression of the opposition, the inefficiency of the economic system, unemployment and Poverty, Inter-Regional Countries, also, the existence of the Fergana Valley as a connection point of extremism among the countries of the region, the growth of Islamic radicalism and its similarity with Takfiri-jihadi thought in the future of the region, has become one of the scenarios with high certainty and probability. Iran's geographical proximity to Central Asia means that the threat extends into Iranian territory. Therefore, identifying the areas of activity and measuring the risks to national security with the goals of prevention and operational solutions to curb this dangerous phenomenon is one of the cases that doubles the importance of this research.

Keywords: Central Asia, religious extremism, screenwriting, analysis of causal layers, Islamic Republic of Iran.

1*. Ph.D Student in Political Studies of the Islamic Revolution of Shahed University.
(Corresponding Author: anikunahad@gmail.com)

2 . Ph.D in Political Sciences-Iran Issues- Graduate of Isfahan University.
(Email: ramezani_965@yahoo.com)

سناریوهای آینده گسترش افراط‌گرایی در آسیای مرکزی و راهبردهای مقابله با آن

ایوب نیکونهاد^{۱*}

ملیحه رضانی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۳

چکیده

با وجود اینکه در شرایط کنونی، منطقه غرب آسیا یکی از کانون‌های اصلی بحران در سطح سیاست جهانی شناخته می‌شود، اما به واسطه وجود بسترهای مناسب جهت گسترش اندیشه‌های افراط‌گرایی اسلامی در مناطقی نظیر آسیای مرکزی، این مسئله را محتمل می‌سازد که در آینده و در مقیاس وسیع این منطقه به یکی از کانون‌های بحران تبدیل گردد. پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سؤالات است که بسترهای اصلی گسترش افراط‌گرایی و رادیکالیسم اسلامی در منطقه آسیای مرکزی کدام‌اند؟ چه سناریوهایی را می‌توان برای گسترش فعالیت‌های گروه‌های افراطی در منطقه آسیای مرکزی برشمرد؟ با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی این کشورها و نزدیکی به مرزهای جمهوری اسلامی ایران چه راهبردهایی را می‌توان برای مقابله با رشد افراط‌گرایی در این منطقه و جلوگیری از خطرات رشد آن، بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در دستور کار قرار داد؟ ابزار پاسخگویی به پرسش‌ها تلفیق دو روش تحلیل لایه‌های علی و سناریونویسی خواهد بود. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که با توجه به هم‌جواری سرزمینی میان منطقه آسیای مرکزی با شمال افغانستان، عدم توسعه سیاسی و سرکوب مخالفان، ناکارآمدی سیستم اقتصادی، بیکاری و فقر، مداخله کشورهای فرا منطقه‌ای، همچنین وجود دره فرغانه به عنوان نقطه اتصال و پیوند افراط‌گرایی در میان کشورهای منطقه، رشد رادیکالیسم اسلامی و شباهت آن با اندیشه تکفیری- جهادی در سپهر آینده منطقه آن را به یکی از سناریوهای با قطعیت و احتمال وقوع بالا مبدل ساخته است. قرابت جغرافیایی ایران با آسیای مرکزی موجب می‌شود که تهدید تا درون سرزمین ایران نیز امتداد پیدا کند. لذا شناسایی زمینه‌های فعالیت و سنجش میزان خطرات مترتب بر امنیت ملی با اهداف پیش‌نگری و چاره‌اندیشی عملیاتی جهت مهار این پدیده‌ی خطرناک از زمره مواردی است که اهمیت این پژوهش را دوچندان می‌سازد.

واژگان کلیدی: آسیای مرکزی، افراط‌گرایی مذهبی، سناریونویسی، تحلیل لایه‌های علی، جمهوری اسلامی ایران.

(صفحه ۱۱۰-۸۳)

۱. دانشجوی دکتری مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد

(نویسنده مسئول: anikunahad@gmail.com)

۲. دکتری علوم سیاسی - مسائل ایران - دانش‌آموخته دانشگاه اصفهان (ramezani_965@yahoo.com)

مقدمه

سرزمین آسیای مرکزی به علت موقعیت ژئوپلیتیکی خاص خود در سیاست جهانی دارای موقعیت منحصربه‌فردی است چرا که از نظر جغرافیایی این منطقه از شمال به روسیه، از جنوب به افغانستان و ایران، از غرب به دریای خزر و از شرق به چین محدود می‌شود. پنج کشور (قزاقستان، ازبکستان، ترکمنستان، قرقیزستان و تاجیکستان) به همراه سایر همسایگان خود در قفقاز دارای اشتراکات متعدد ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیکی، ژئوکالچر و... هستند که می‌توان به قرار گرفتن در محل تقاطع اروپا در غرب و آسیا در شرق و اتصال آن‌ها به جهان اسلام از جنوب، پیوندهای تاریخی این کشورها با فرهنگ ترکی و اسلامی، بهره‌مندی از مواهب و منابع طبیعی به ویژه نفت، گاز و نیز فلزات گران‌بها اشاره کرد. بیش از سه چهارم جمعیت ۵۰ میلیونی این منطقه را مسلمان سنی و حنفی تشکیل می‌دهند. اسلام‌گرایی در آسیای مرکزی و قفقاز با وجود سابقه دیرینه‌ای که دارد در قرن بیستم در این منطقه تحت تأثیر انقلاب بلشویکی ۱۹۱۷ روند پرفراز و نشیبی را پشت سر گذاشته است. در برهه بعد از انقلاب روسیه به علت اعمال سیاست‌های ضد مذهبی دولت کمونیستی حاکم در اتحاد جماهیر شوروی، فعالیت‌های گروه‌های اسلام‌گرا به تأسی از آموزه‌های مارکسیسم که دین را مانع عمده‌ای برای توسعه و نوسازی جوامع می‌دانست، به شدت سرکوب و آموزش‌های مذهبی در مدارس و مساجد در این منطقه تعطیل گردید. اگرچه مقاومت‌هایی از سوی گروه‌های اسلام‌گرا در مقابل یکپارچه‌سازی فرهنگی در آسیای مرکزی علیه ایدئولوژی مارکسیستی شکل می‌گرفت، اما پس از روی کار آمدن میخائیل گورباچف و در پیش گرفتن سیاست‌های پروسترویکا و گلاسنوست جهت حفظ تمامیت و یکپارچگی اتحاد جماهیر شوروی که در آن رگه‌های اصلاح‌طلبی و تساهل‌مداری مذهبی نیز دیده می‌شود، مجدداً فعالیت اسلام‌گرایان در این منطقه حیات تازه‌ای پیدا کرد.

بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی با کمک کشورهای اسلامی به خصوص سرمایه‌گذاری کلان عربستان سعودی در این منطقه، دوران جدید از اسلام‌گرایی البته با قرائت رادیکال و افراطی آغاز شده است. منطقه آسیای مرکزی با توجه به وجود عوامل مناقشه آمیز که ریشه در مسائل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... دارد ظرفیت آن را داراست تا به یکی از کانون‌های آتی بحران در قاره آسیا تبدیل شود. پیش‌لرزه‌های گرایش به رادیکالیسم اسلامی در آسیای مرکزی و قفقاز می‌تواند بر امنیت منطقه‌ای تأثیرات بسزایی گذاشته و نظم امنیتی منطقه‌ای را در بلندمدت با چالش تغییر همراه سازد. از

سویی دیگر با توجه به نقش‌آفرینی جهادگران سلفی آسیای مرکزی در بحران‌های اخیر منطقه غرب آسیا در کشورهای سوریه و عراق در قالب تروریست‌های تکفیری و با توجه به اینکه این گروه‌ها در حال حاضر از لحاظ تشکیلاتی عملاً با شکست سنگین مواجه شده‌اند، بازگشت این عناصر به دولت‌های متبوع خود در آسیای مرکزی زنگ خطری را برای این دولت‌ها به صدا در خواهد آورد. در حال حاضر آسیای مرکزی یکی از سرزمین‌های مدنظر افراط‌گرایان جهادی و تکفیری‌ها جهت عزیمت است. در صورت گسترش حوزه فعالیت تکفیری‌ها به این منطقه، نابودی نهایی آن‌ها در غرب آسیا از لحاظ زمانی به تأخیر خواهد افتاد و فرصت مغتنمی در اختیار آن‌ها برای بازسازی فکری و تجدید قوای عملیاتی جهت غائله‌آفرینی مجدد در خاورمیانه قرار خواهد داد. پژوهش حاضر ضمن تلفیق دو روش تحلیل لایه‌های علی و سناریونویسی در پی پاسخ به این سؤالات است که بسترهای اصلی گسترش افراط‌گرایی و تروریسم در منطقه آسیای مرکزی کدام‌اند؟ و چه سناریوهایی را می‌توان برای گسترش گروه‌های افراطی و تروریستی در منطقه‌ی آسیای مرکزی برشمرد و چه راهبردهایی را می‌توان برای مهار افراط‌گرایی در آسیای مرکزی مورد توجه قرار داد؟

الف - پیشینه پژوهش

دیانت و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی رابطه بین شاخص‌های اقتصادی و گرایش به اسلام افراطی در آسیای مرکزی مطالعه موردی: داعش» به بررسی رابطه بین شاخص‌های اقتصادی پنج کشور هم‌سود قزاقستان، ازبکستان، ترکمنستان، قرقیزستان و تاجیکستان و نقش آنان در گرایش به سمت اسلام افراطی در آسیای مرکزی پرداخته و رابطه آن‌ها با رشد و شاخص‌های اقتصادی در این کشورها سنجیده‌اند. اخوان کاظمی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای تحت عنوان «تحلیل زمینه‌های سیاسی - اجتماعی حضور داعش در آسیای مرکزی، از تهدید نفوذ تا واقعیت حضور»، به بررسی وضعیت ایدئولوژیک و بسترهای رشد افراط‌گرایی در کشورهای پنج‌گانه آسیای مرکزی از نظر وجود اندیشه‌ها و حزب‌های بنیادگرا پرداخته‌اند. عباسی قادی و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله‌ای تحت عنوان «طراحی و اعتبارسنجی مدل مطلوب راهکارهای مقابله با تهدیدهای امنیتی اسلام‌گرایی تندرو در آسیای مرکزی، با تأکید بر نقش ایران» با استفاده از روش خبرگانی به طراحی و اعتبارسنجی مدل مطلوب راهکارهای مقابله با تهدیدهای امنیتی اسلام‌گرایی تندرو در منطقه آسیای مرکزی با تأکید بر

نقش ایران با تأکید بر ۹ مضمون فراگیر پرداخته‌اند.

گالیم ژوسپیک (۲۰۱۷) در مقاله‌ای با عنوان «اسلام سیاسی در آسیای مرکزی: ۲۵ سال پس از استقلال» مقوله اسلام سیاسی را در آسیای مرکزی بررسی می‌کند. مجیدی و باقری (۱۳۹۷) در مقاله‌ای تحت عنوان «زمینه‌های پیدایش و رشد تندروی در آسیای مرکزی: مطالعه موردی داعش» با روش توصیفی و تحلیلی این موضوع را بررسی و مواردی مانند نبود دموکراسی و حقوق شهروندی، تحجر و واپس‌گرایی را از عوامل پیدایی و بروز این جریان‌ها می‌دانند. کبریایی زاده (۱۳۹۱) در کتابی تحت عنوان «روند اسلام‌گرایی در کشورهای آسیای مرکزی: پیامدها و چالش‌ها برای جمهوری اسلامی ایران» به بررسی روند اسلام‌گرایی در کشورهای آسیای مرکزی و تحلیل ویژگی‌های در حال توسعه اسلام در این کشورها پرداخته است. اسلامی و ایاز (۱۳۹۶) در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی علل نفوذ داعش در آسیای مرکزی و پیامدهای احتمالی آن»، به بررسی بسترها، زمینه‌ها و عوامل نفوذ داعش در آسیای مرکزی پرداخته‌اند.

تفاوت مهم و اساسی این مقاله نسبت به سایر پژوهش‌ها، به‌کارگیری آینده‌پژوهی و استفاده از روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها به عنوان یکی از روش‌های مهم شناخت آینده در بررسی موضوع است که در این روش تلاش می‌شود لایه‌ها و عوامل مهم در هر یک از آن‌ها بر آینده موضوع، مورد بررسی قرار گیرد و درنهایت با توجه به داده‌های به دست آمده از بررسی لایه‌ها، سناریوها و راهکارهایی برای آینده افراط‌گرایی در منطقه آسیای مرکزی ارائه گردد.

ب- مبانی نظری و روش

۱- افراط‌گرایی

یکی از ویژگی‌های بارز گروه‌های تروریستی و بنیادگرایی گرایش‌های افراطی آنان است. بنیادگرایی دینی به معنای بازگشت به اصولی است که معرف دین است و در مورد گروه‌های بسته مذهبی به کار می‌رود. آنان جریانی که خود برخاسته از آن هستند را قبول نداشته و آن را به غفلت و سازش‌کاری در اصول بنیادین مذهبی متهم می‌کنند و در واقع خود را نماینده واقعی دین می‌دانند (مؤمنی و دیگران، ۱۳۹۵: ۶۵). ویژگی مشترک و غالب همه این گروه‌ها، بنیادگرایی، جزمیت، سوءاستفاده از عقاید و احساسات مذهبی، انجام جنایت و کارهای وحشیانه برای تجاوز و کشتار مردم

بی‌گناه در لوای اسلام است. از مهم‌ترین هدف‌های این گروه‌ها، استفاده ابزاری از دین و افراطی جلوه دادن اسلام با عنوان اسلام افراطی است که در عمل به مخدوش شدن چهره اسلام ناب و پیروان این آیین آسمانی منجر می‌شود (اخوان کاظمی و دیگران، ۱۳۹۷:۶). ریشه تاریخی این جریان به گرایش‌های خرد‌گریز موجود تاریخ اسلام بازمی‌گردد و باید آنان را پیرو و ادامه‌دهنده مسیر خرد‌گریزی در جهان اسلام دانست. مهم‌ترین این گرایش‌ها در تاریخ تمدن اسلام، فقهای اهل حدیث، متکلمان اشعری و خوارج هستند (محرمی، ۱۳۹۹: ۲۳۰)؛ بنابراین می‌توان گفت توسل به خشونت، تحریف در دین و تلاش برای استقرار یک نظم خودساخته مبتنی بر عقاید انحرافی از ویژگی‌های افراط‌گرایان است. آنان با بهره‌گیری از آموزه‌های سلفی - تکفیری در صدد استقرار نظام سیاسی مطلوب خود در مناطق مختلف در جهان اسلام هستند.

۲- تحلیل لایه‌ای علت‌ها

«روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها»، یکی از روش‌های نسبتاً جدید در حوزه آینده‌پژوهی است که توسط سهیل عنایت‌الله (۱۹۹۸) طراحی شده، از لحاظ روشی در دسته‌بندی روش‌های کیفی و از لحاظ رویکردی، در دسته روش‌های اکتشافی قرار می‌گیرد (عنایت‌الله، ۱۹۹۸). لایه‌های این روش به‌طور کلی از چهار سطح تشکیل شده است که هر لایه نسبت به لایه قبلی کلی‌تر بوده و به لحاظ معرفتی عمق بیشتری دارد. عنایت‌الله روش تحلیل لایه‌ای خود را محصول تلفیق و به‌کارگیری سه نوع رویکرد آینده‌پژوهی تجربی، تفسیری و انتقادی می‌داند. مطابق روش لایه‌ای علی‌زمانی که در خصوص موضوعی قصد آینده‌پژوهی داریم، باید طیفی از لایه‌های عینی و ذهنی شکل‌دهنده به آینده را مورد توجه قرار داد. هر کدام از این لایه‌ها را به کمک یک چهارچوب معرفت‌شناختی به شرح زیر می‌توان شناخت (Inayatollah, 2004, 11-15).

۱. لایه لیتانی (عینی) که ناظر بر عینی‌ترین و آشکارترین سطح آینده یک پدیده است و فهم آن نیاز به مهارت‌های تحلیلی خاصی ندارد. در این لایه وجود مسئله و تداوم آن برای وقوع یک رویداد در آینده برای همه پذیرفته شده و از حیث کمی، داده‌ها و اطلاعات بسیاری در خصوص آن در رسانه‌های گروهی منتشر شده است. در این لایه مفروضات به ندرت در معرض پرسش قرار می‌گیرند. آینده‌پژوهی تجربی چهارچوب معرفتی مناسبی برای شناخت این لایه است.

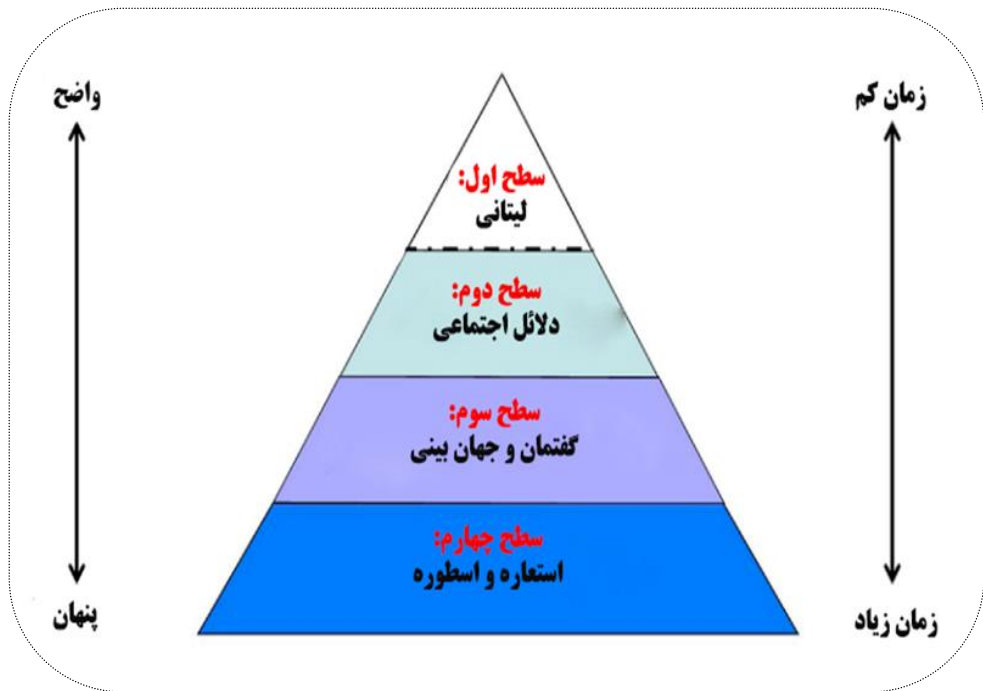
۲. لایه نظام‌های اجتماعی که ناظر بر عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و تاریخی است. در این لایه تلاش می‌شود داده‌های کمی بر حسب همبستگی متغیرها، رابطه علیت، به‌کارگیری یک نظریه خاص و نقد سایر نظریات تفسیر شوند. در این لایه مؤسسات سیاست پژوه و سیاست‌گذار تحلیل‌های مستدل و مستندی را در خصوص آینده در روزنامه‌ها و مجلات منتشر می‌کنند. نقطه تعالی این تحلیل‌ها، تبیین علمی و فنی رخدادهای آینده است. در این لایه، نقش دولت و سایر کنشگران، خاصه گروه‌های فشار پررنگ می‌شود.

۳. لایه سوم ناظر بر فهم ساختار، جهان‌بینی و گفتمانی است که علاوه بر آن که ادعاهای معرفتی مرتبط با آینده را پشتیبانی می‌کند به این دعاوی مشروعیت هم می‌بخشد و به دنبال تبیین و شناسایی علت‌های اجتماعی به وجود آورنده مسئله در لایه لیتانی - لایه اول - است. این لایه که مسئله آن توسط چارچوب تحلیل ژرف‌ساخت شکل گرفته است (عطاری و همکاران ۱۳۹۳: ۱۹۱)؛ بر کشف یک تصویر بزرگ و پارادایمی متمرکز است و تلاش‌های آینده‌پژوه ناظر بر شناخت ساختارهای فرهنگی، زبانی و اجتماعی هستی‌بخش آینده و ارائه تفسیری جدید و عمیق از مسئله در این لایه مورد توجه است.

۴. لایه چهارم در پی فهم نشانه‌ها و استعاره‌هایی است که در ناخودآگاه تمدنی یک ملت رایج بوده و آینده‌پژوه ناگزیر است برای کشف آن به سطح تمدنی و هویتی جامعه مورد پژوهش خود به کنکاش بپردازد. این لایه که تکمیل‌کننده لایه‌های قبلی است در آن عمیق‌ترین فراروایت‌ها، طرح‌واره‌ها و تصاویر ذهنی شکل‌دهنده به آینده مورد کنکاش قرار می‌گیرند. شناخت این لایه نه در اندیشه، بلکه در احساس ناخودآگاه افراد ریشه دارد و تحلیل‌گر با ردیابی عوامل ناخودآگاه و اسطوره‌ها، امکان خلق آینده را فرای مرزهای عقلانی مهیا می‌سازد.

بنابراین، در روش لایه‌ای علی، آینده‌پژوه با نگاهی از بالا به پایین و از پایین به بالا، می‌تواند تحلیل خود را یکپارچه سازد و گفتمان‌ها، شیوه‌های کسب معرفت و جهان‌بینی‌های مؤثر در شکل‌گیری آینده را با هم ادغام و در نتیجه بر غنای تحلیل خود در خصوص آینده بیفزاید (Inayatollah, 2008,9)؛ و درنهایت با تکیه بر این لایه‌ها به خلق سناریوها اقدام نمود.

با تکیه بر مفاهیم روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها و مراحل چهارگانه‌ای که سهیل عنایت‌الله برای آن تعریف کرده است مدل عنایت‌الله در شکل شماره ۱ طراحی شده است.



نمودار شماره ۱- تحلیل لایه‌ای علت‌ها

(Inayatullah, 1998)

۳- مدل مفهومی پژوهش

با تکیه بر روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها و مراحل چهارگانه‌ای که سهیل عنایت‌الله برای آن تعریف کرده است مدل مفهومی پژوهش نیز در شکل شماره ۲ طراحی شده است. در هریک از لایه‌های مدنظر با بهره‌گیری از دلفی خبرگان و صاحب‌نظران حوزه آسیای مرکزی در ۳ مرحله این لایه‌ها شناسایی شده و سپس در لایه‌های مرتبط با روش قرار گرفته‌اند:

جدول شماره ۱- مدل مفهومی پژوهش

فهم گسترش افراط‌گرایی در آسیای مرکزی	لایه لیتانی
ترویج آموزه‌های وهابیت و شکل‌گیری احزاب بنیادگرا حاکمیت داعش بر بخش‌هایی از سوریه و عراق خلأ قدرت در منطقه پس از فروپاشی شوروی	لایه نظام‌های علی

ادامه جدول شماره ۱- مدل مفهومی پژوهش

فقر گسترده اقتصادی و مشکلات معیشتی معضلات اجتماعی در این منطقه تنش‌های قومی و منازعات سرزمینی خلاً اقتدار (وجود قدرت برتر در این منطقه) همسایگی با القاعده در شمال افغانستان بحران دولت-ملت‌سازی نقش و مداخله قدرت‌های بزرگ در بحران‌آفرینی در این منطقه	لایه نظام‌های علی
فقر اسلام‌گرایی و سازگاری با اسلام التقاطی در این منطقه	لایه جهان‌بینی - گفتمان
قداست جهاد در بین افراط‌گرایان و مبارزه با مظاهر شرک در نزد آنان.	لایه اسطوره - استعاره

(منبع: محقق ساخته)

پ- تحلیل داده

۱- لایه لیتانی

اسلام‌گرایی در آسیای مرکزی ریشه عمیق تاریخی دارد. در دوره اتحاد جماهیر شوروی مردم این منطقه با استفاده از اسلام و مبانی آن، با سیاست‌های اسلام‌ستیزی مقابله کردند. در طی سه دهه بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و باز شدن فضای باز سیاسی-اجتماعی در این منطقه، روند گرایش مجدد به اسلام‌گرایی تقویت گردید و احزاب و گروه‌های اسلام‌گرا فرصت مناسبی برای گسترش فعالیت‌های مذهبی در این منطقه به دست آوردند. تفاوت عمده این دوره از اسلام‌گرایی با دوره‌های مشابه تاریخی، در این است که وجه عمومی اسلام‌گرایی در دوره‌های تاریخی در آسیای مرکزی عموماً با اسلام رحمانی و همزیستی مسالمت‌آمیز با سایر آیین‌ها و مذاهب شناخته شده در حالی که در دوره جدید، اسلام‌گرایی با گرایش‌های رادیکالیسم تلفیق یافته و اسلام‌گرایان و نهضت‌های دینی، گرایش خاصی به افراط‌گرایی مذهبی پیدا کرده‌اند. هویت اسلامی در آسیای مرکزی در چند دهه اخیر به طرف رادیکالیزه شدن پیش می‌رود تا جایی که اکثر احزابی که داعیه اسلام‌گرایی در منطقه دارند به نوعی درصدد تقویت بنیادگرایی اسلامی و رادیکالیزه شدن اسلام در منطقه هستند. این امر نشان‌دهنده

شکل‌گیری تغییر و تحولات جدید در عرصه فکری و عملیاتی احزاب و گروه‌های سیاسی در منطقه است که خود این تحول در عرصه فکری می‌تواند زمینه‌ساز تغییر و تحول در سایر عرصه‌ها نیز گردد. در لایه لیتانی روش تحلیل لایه‌های علی به طرح مسئله به صورت عینی اکتفا می‌شود و توضیح بیشتر لایه‌های شکل‌دهنده به مسئله در سایر مراحل بیان خواهد شد. در ادامه سایر لایه‌های شکل‌دهنده به شکل‌گیری اسلام‌گرایی افراطی در این منطقه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲- لایه نظام‌های اجتماعی

در روش تحلیل لایه‌های علی، یکی از لایه‌های مهم و اصلی شکل‌دهنده به مسئله، لایه نظام‌های اجتماعی است. در واقع در این لایه مجموعه عوامل مؤثر بر موضوع در ابعاد گوناگون تجزیه و تحلیل می‌شود. در ادامه مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر گسترش افراط‌گرایی اسلامی در منطقه آسیای مرکزی در لایه نظام‌های اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۲-۱- ترویج آموزه‌های وهابیت و شکل‌گیری احزاب بنیادگرا

با وجود آن‌که اسلام‌گرایی در آسیای مرکزی و قفقاز از پیشینه تاریخی قوی برخوردار است و با باورها و فرهنگ تاریخی مردم عجین گردیده است، اما پس از انقلاب بلشویکی ۱۹۱۷ و حاکم شدن کمونیست‌ها در اتحاد جماهیر شوروی، سیاست‌های ضد اسلام‌گرایی در این منطقه توسط کمونیست‌ها به اوج خود رسید. لنین با بهره‌گیری از آموزه‌های مارکس که دین را مانع نوسازی و توسعه می‌دانست، فعالیت‌های مذهبی را در این منطقه ممنوع و فعالیت‌های مساجد و کانون‌های مذهبی نیز عملاً تعطیل گردید. استالین و خروشچف هم با تاسی از آموزه‌های انقلاب ۱۹۱۷ سیاست‌های سرکوب فعالیت‌های اسلام‌گرایانه در آسیای مرکزی دنبال نمودند. این مسئله تا زمان به قدرت رسیدن میخائیل گورباچف ادامه داشت. وی با در پیش گرفتن سیاست‌های پروستریکا و گلاسنوست سعی در حفظ اتحاد جماهیر شوروی و جلوگیری از فروپاشی آن داشت. در پیش گرفتن این سیاست‌ها آزادی نسبی را برای فعالیت‌های اسلام‌گرایان در این منطقه فراهم کرد (عباسی، ۱۳۹۰: ۱۲۵-۱۲۰). هم‌زمان با تحولات آسیای میانه و فروپاشی شوروی به علت قرابت‌های مذهبی مردم این منطقه (اکثریت حنفی) عربستان سعودی سرمایه‌گذاری لازم برای تبلیغات مذهبی و گسترش آموزه‌های وهابیت را در این منطقه انجام داد. عربستان سعودی با ساختن مدارس مذهبی، کمک‌های

مالی به مسلمانان سنی مذهب، اعزام مبلغان مذهبی خود به آسیای مرکزی و به ویژه دره فرغانه و تبلیغ وهابیت در سفرهای حج به مسلمانان این منطقه ... توانسته تا حدی اندیشه‌ی وهابیت را در بین مسلمانان این منطقه گسترش دهد (ICG, 2003: 7-9). از آنجایی که اندیشه وهابیت یکی از آبخورهای معرفتی تکفیری‌ها است و همسانی زیادی میان این تفکرات افراطی وجود دارد، می‌توان گفت که نفوذ اندیشه وهابیت زمینه را برای افزایش گرایش به گروه‌های تکفیری در کشورهای آسیای مرکزی فراهم ساخته است. به ویژه اینکه مقامات عربستان سعودی گسترش افراط‌گرایی در آسیای مرکزی را به منزله مقابله با ایدئولوژی تشیع و جمهوری اسلامی ایران قلمداد می‌کنند. از سوی دیگر وجود احزاب بنیادگر در منطقه آسیای مرکزی زمینه را برای گسترش هر چه بیشتر افراط‌گرایی تقویت می‌نماید. این احزاب با استفاده از روش‌های خشونت‌آمیز و افراطی برای رسیدن به اهداف خود سبب تقویت هرچه بیشتر افراطی‌گری در این منطقه می‌شوند. حزب التحریر که از جمله معروف‌ترین قدرتمندترین احزاب بنیادگر در منطقه آسیای مرکزی است و در صدد برقراری حکومت اسلامی (خلافت) در دنیای اسلام است و همچنین جنبش اسلامی ازبکستان که از خشن‌ترین و افراطی‌ترین سازمان‌ها در منطقه آسیای مرکزی است از مهم‌ترین احزاب بنیادگر در این منطقه محسوب می‌شوند.

۲-۲- حاکمیت داعش بر بخش‌هایی از سوریه و عراق

یکی از مسائل مهم و مورد توجه در سال‌های اخیر در منطقه خاورمیانه، حضور گروه‌های نوظهور و بنیادگرای اسلامی است که تحت عنوان داعش به فعالیت‌های خشونت‌بار و افراطی برای رسیدن به اهداف خود دست می‌زنند. هسته اولیه گروه داعش در سال ۲۰۰۶ با عنوان «دولت اسلامی عراق و شام» شکل گرفت در حقیقت داعش از بازماندگان القاعده در عراق است. به اعتقاد داعش به دلیل اینکه اهل سنت جهاد را تعطیل کرده‌اند، پس کافر هستند و تعطیلی عملی حکم خدا به معنای انکار آن است. براین اساس تکفیر مسلمانان مهم‌ترین بخش اعتقادی آن‌هاست و در عرصه عملی نیز در پی تشکیل حکومت اسلامی هستند و با استفاده از روش‌های تروریستی و خشونت‌بار دری رسیدن به اهداف خود هستند (ICG, 2003:6) حضور داعش در منطقه به ویژه کشورهای سوریه و عراق و تلاش برای نفوذ آنان به سایر کشورهای منطقه، خود به عنوان عاملی مهم در راستای رشد و گسترش عقاید افراطی و بنیادگرایی در کشورهای آسیای مرکزی با توجه به وجود زمینه‌ها و پتانسیل‌های لازم در آن‌ها که در ادامه به آن اشاره می‌گردد، است؛ بنابراین وجود عقاید مبتنی بر آموزه‌های وهابی و

همچنین فعالیت و حضور گروه‌های افراطی متأثر از عقاید رادیکال و بنیادگرایانه در کشورهای آسیای مرکزی و مناطق اطراف به عنوان یکی از علل رشد و گسترش افراط‌گرایی در این منطقه به شمار می‌رود.

۲-۳- خلاً قدرت در منطقه پس از فروپاشی شوروی

کشورهای آسیای مرکزی با فروپاشی شوروی، در پی کسب هویت مستقلی برآمدند؛ اما این فروپاشی باعث شد تا منطقه که با خلاً قدرت روبه‌رو شده بود، مورد توجه کشورهای قدرتمند قرار گرفته و در نتیجه کانون رقابت آن‌ها قرار گیرد؛ زیرا این منطقه دارای جنبه‌های ژئواستراتژیک، ژئوپولیتیک و ژئواکونومیکی ویژه‌ای است. این منطقه به دلیل موقعیت جغرافیایی‌اش نقش مهمی در سیاست‌های جهانی دارد. با واقع شدن در قلب اوراسیا به عنوان یکی از شاهراه‌های ترانزیت کالا در جهان موجب شده است. بسیاری از کشورهای مهم منطقه‌ای و بین‌المللی نظیر جمهوری اسلامی ایران، روسیه، ترکیه، هند، چین و ایالات متحده آمریکا جهت تسلط و نفوذ در این مناطق به رقابت با یکدیگر پرداخته‌اند (Afzal:2003:1). بنابراین خلاً قدرت و وجود رقابت میان قدرت‌های منطقه‌ای و قدرت‌های فرا منطقه‌ای باعث نفوذ و تقویت اندیشه‌های رادیکال در منطقه شده است. منشأ و آبخور فکری این نوع از سلفی‌گری به اسلام حنفی برمی‌گردد که با وهابیت قرابت‌های زیادی دارد و سیاست‌های عربستان سعودی منجر به دامن‌گستری بیش از پیش آن گشته است.

۲-۴- فقر گسترده اقتصادی و مشکلات معیشتی

از دیگر بسترهای حضور گروه‌های افراط‌گرا در آسیای مرکزی را می‌توان وجود فقر گسترده و ضعف‌های اقتصادی بیان کرد. فقر و بیکاری در منطقه یکی از بسترهایی است که گروه‌های تروریستی سازمان‌یافته‌ای نظیر داعش، ضمن علاقه زیاد به آن سعی می‌کنند از همین مسیر وارد لایه‌های اجتماعی جوامع این منطقه شوند (Dyner, 2015:1). کشورهای این منطقه از زمان اعلام استقلال تاکنون، اقتصادی ضعیف و شکننده همراه با تورم را تجربه کرده‌اند. کاهش تولید همراه با تورم ناشی از آزادسازی قیمت‌ها و کسب درآمد از کسری بزرگ مالی، منجر به افزایش قابل توجه جمعیت فقر در بین این کشورها شده است (Tu Dang, 2009: 21-23). فقر در بین کشورهای این منطقه به‌گونه‌ای است که ذهن بسیاری از تحلیلگران و نویسندگان را به خود جلب کرده و در این زمینه به پژوهش

پرداخته‌اند. از جمله این کشورها ازبکستان است که در آن فقر و بیکاری زیادی وجود دارد (کولایی، ۱۳۸۵: ۳۳). قزاقستان با داشتن منابع غنی زیرزمینی و تاجیکستان که فاقد چنین منابعی است هر دو دارای جمعیتی فقیر هستند. جمهوری قرقیزستان هم مانند دیگر کشورهای آسیای مرکزی دارای جمعیتی فقیر است و مردم آن با کمبود غذا و سوءتغذیه مواجه‌اند. این فقر به نوبه خود آسیب‌پذیری زیادی برای این کشورها به همراه داشته است. پیامد جدی فقر گسترده را می‌توان در پیوستن بسیاری از مردم فقیر این منطقه به گروه‌های سلفی تکفیری دید (Babu & Reidhead, 2000: 647).

۲-۵- معضلات اجتماعی

آسیای مرکزی به‌طورکلی دچار مشکلات دیگر اجتماعی از جمله بی‌سوادی، افراط‌گرایی و بنیادگرایی مذهبی ناشی از آن است. در کشورهای این منطقه همچنان بی‌سوادی به صورت گسترده‌ای در بین مردم وجود دارد. بی‌سوادی و جهل در برداشت از دین در میان مردم و حتی روحانیون عالی‌رتبه در این منطقه وجود دارد به گونه‌ای که بسیاری از افراط‌گرایان با فریب دادن مردم سعی در جذب آن‌ها به سمت وسوی گروه‌های بنیادگرا دارند (کبریایی، ۱۳۹۱: ۴۱). در این راستا دولت‌مردان این کشورها برای جلوگیری از این کار، درصدد اسلام‌زدایی و سکولاری زه کردن امور سیاسی و اجتماعی هستند. به‌عنوان مثال امام‌علی رحمان با منع علائم و نشانه‌های اسلامی از جمله بلند نبودن ریش مردان، ممنوعیت اسم‌گذاری عربی برای کودکان و ... درصدد تضعیف اسلام در بین مردم است (Guardian, 2015: 2). با توجه به مذهبی بودن مردم این منطقه به جهت احیای هویت خود و فرار از سردرگمی هویتی، احتمال می‌رود که این اقدامات سبب واکنش تدافعی اسلام‌گرایان افراطی را برانگیخته و به گونه‌ای دیگر زمینه را برای افراط‌گرایی و در رأس آن حضور گروه‌های تکفیری با استفاده از این نقطه ضعف فراهم کند.

۲-۶- بحران دولت - ملت‌سازی

یکی از پیشران‌های اصلی بحران در منطقه غرب آسیا در آغاز بحران در اوایل سال ۲۰۱۱ وجود دولت‌های زمان پریش و ورشکسته‌ای بود که مانع از نقش‌آفرینی قاطبه مردم در هرم قدرت داخلی این کشورها می‌شد. در آسیای مرکزی گرچه شکل حکومت‌ها جمهوری است، اما به علت نبود

سازوکارهای مردم‌سالاری و دموکراسی، ما عملاً با حکومت‌های مستبدی مواجهیم که حاضر به انجام اصلاحات و پذیرش فرآیندهای دموکراسی در جهت سهم نمودن اقشار و گروه‌های مختلف مردم در بدنه قدرت نیستند. لذا این مسئله منجر به سرخوردگی جمعیت‌هایی خواهد شد که قادر به نقش-آفرینی نبوده و به دنبال آن ستیز با دولت‌های مرکزی به طرق مختلف محتمل است. گروه‌های طرد شده به طرق مختلف همچون پیوستن به گروه‌های تروریستی روند انتقام‌گیری از حکام مستقر و دستگاه‌های نظامی را در پیش می‌گیرند. به همین خاطر است که می‌توان عدم نگاه جامع از سوی حکومت‌های این کشورها جهت سهم کردن همه مردم در قدرت را یکی از دلایل اصلی استقبال مردم از اندیشه‌های انحرافی است (Idrees, 2015:24). چهار کشور از پنج کشور آسیای مرکزی دارای رژیم‌های استبدادی هستند و تنها کشور قرقیزستان دارای رژیم مختلط است. این موضوع به‌طور قابل توجهی با موقعیت کشورهای خاورمیانه که بالاترین تعداد کلی و بالاترین تعداد سرانه پیوستن به صفوف مبارزان خارجی را دارند، منعکس می‌شود.

۷-۲- همسایگی با شمال افغانستان

قرابت‌های فرهنگی، مذهبی و نژادی میان کشور افغانستان و کشورهای آسیای مرکزی و رفت‌وآمد گسترده میان مردم این مناطق، منجر به درهم‌تنیدگی مسائل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی میان آن‌ها گشته است. پدیده‌های محیطی افغانستان به سهولت، قابلیت تسری به آسیای مرکزی را دارند. تروریسم و وجود گروه‌های افراط‌گرا بارزترین مشخصه‌ای است که افغانستان را به‌مثابه سکوی پرتاب و به تعبیری منطقه جهش به سوی گستره وسیع آسیای مرکزی مبدل ساخته است. مشکلاتی از جمله فقر، بیکاری و تورم بالا، عدم توسعه سیاسی افغانستان و همچنین حمله شوروی و آمریکا به افغانستان این کشور را به آبخشور تروریسم مبدل ساخته است. به همین خاطر است که امروزه داعش تمرکز جدی بر عضوگیری از میان مردم افغانستان و سپس توسعه فعالیت‌ها در عمق منطقه‌ای آسیای مرکزی را دارد. شمال افغانستان به عنوان منطقه‌ای موازن با آسیای مرکزی، هم‌اکنون پناهگاهی مناسب برای توسعه فعالیت تکفیری‌ها علی‌الخصوص القاعده است. ضعف‌های امنیتی ناشی از دستگاه‌های نظامی و اطلاعاتی افغانستان و کشورهای آسیای مرکزی تردد میان مرزی عناصر تکفیری را به نحو بهتری میسر ساخته است. تروریسم‌های بدون مرز با هویت‌های جعلی و تسلط به فرهنگ‌های متعدد به‌راحتی از طریق کریدورهای زمینی یا هوایی از افغانستان به آسیای مرکزی تردد دارند (Gibbons

and others, 2018:111)؛ و انتظار می‌رود یاتوجه به رویدادهای کنونی افغانستان و حاکمیت طالبان بر این کشور شاهد سرریز شدن بحران افراط‌گرایی به آسیای مرکزی و تسریع در روند افراط‌گرایی در این منطقه باشیم.

۲-۸- منازعات مرزی - سرزمینی

در شرایطی که مشکلات اقتصادی و مسائل سیاسی در داخل کشورهای آسیای مرکزی منشأ بسیاری از چالش‌ها برای این منطقه گشته است، منازعات مرزی و سرزمینی نیز با افزایش عمق مشکلات، مزید بر علت شده است. منازعات مرزی و سرزمینی منجر به این شده که کشورهای این منطقه به جای همکاری مشترک جهت مقابله با تروریسم و افراط‌گرایی حتی در مواقعی از عناصر افراط‌گرا علیه یکدیگر بهره گیرند. به عنوان نمونه رفیق سیفوللین^۱ سیاست‌شناس ازبکستانی در این خصوص می‌گوید: «که در بیشکک برای مقابله با اسلام‌گرایان و داعش که فعالیت آن‌ها در تاشکند و روسیه ممنوع شده اقدام‌های برابر اتخاذ نمی‌کند. همه می‌دانند که گرایش‌های منفی در قرقیزستان رو به افزایش است. افراد زیادی از میان جوان‌ها وارد داعش می‌شوند. در بیشکک این را می‌دانند و کتمان نمی‌کنند (sputniknews, 2016). لازم به ذکر است که دره فرغانه شامل استان‌های اوش و جلال‌آباد قرقیزستان و سه استان اندیجان، فرغانه و نمگان ازبکستان و استان سغد تاجیکستان است. اراضی قرقیزستان در این دره شامل سلسله جبال و کوهپایه‌های رشته‌کوه‌های تین‌شان^۲ است. دره فرغانه بغرنج‌ترین مسائل مرزی را برای سه کشور قرقیزستان، ازبکستان و تاجیکستان به وجود آورده است. در این دره هزاران منطقه محصور قرار دارد و هر سه کشور که در این دره سهیم‌اند ادعاهای تاریخی نسبت به قلمرو یکدیگر دارند. این ادعاها همچنین منافع اقتصادی در مسیرهای حمل‌ونقل، رودخانه‌ها، دریاچه‌ها و صنایع را در برمی‌گیرد. مذاکرات بر سر تعیین خطوط مرزی در این دره تنش‌آفرین بوده و بر سر ده‌ها مورد اختلاف راکد مانده است.

علاوه بر منازعات سرزمینی، مناقشه روی مسئله آب نیز یکی از سرچشمه‌های تنش میان کشورهای این منطقه است. بحران آب بیشتر در پرتو مسائل بالادستی^۳ و پایین‌دستی^۴ جلوه‌نمایی

1 . Rafigh Siphullin

2 . Tien Shan

3 . Upstream

4 . Downstream

می‌کند. کشورهای تاجیکستان و قرقیزستان منابع انرژی کافی در اختیار ندارند و از سوی دیگر ترکمنستان، قزاقستان و ازبکستان میزان سوخت‌های فسیلی بیشتری دارند. همین مسئله باعث شده تا کشورهای تاجیکستان و قرقیزستان جهت خروج از بحران انرژی به ناچار به سرمایه‌گذاری در ساخت نیروگاه‌های آبی روی آورده‌اند. نیروگاه‌های برقی - آبی کشورهای یاد شده این امکان را خواهد داد که انرژی مورد نیاز خود را از انرژی الکتریسیته به دست آورند که هم پاک است و هم برای تولید آن مجبور به اختصاص ارز نیستند؛ بنابراین برای تولید برق به جز در موارد سرمای شدید و یخبندان، می‌توانند برق تولید کنند؛ اما این موارد برای کشورهای پایین‌دست که نیاز به آب در فصل تابستان دارند، فاجعه‌آمیز خواهد بود؛ زیرا به سبب جریان یافتن آب برای تولید برق در نیروگاه در فصل‌های غیر کشاورزی، آب کافی در مخزن‌ها برای تابستان وجود نخواهد داشت تا نیاز آب کشتزارهای گسترده را تأمین کند. به همین سبب بحران ناشی از آب در این زمان روی خواهد داد (امیراحمدیان و ناصر، ۱۳۹۲: ۱۶).

۲-۹- مداخله قدرت‌های بین‌المللی

آسیای مرکزی در قرن نوزدهم عرصه رقابت‌های گسترده‌ای بود. در نیمه اول این قرن روس‌ها و انگلیس‌ها دو بازیگر اصلی در این حوزه رودرروی یکدیگر قرار داد؛ جوزف رودیارد کیپلینگ^۱ این رویارویی را که دو بازیگر بزرگ اروپایی درگیر آن بودند و عرصه آن در آسیای مرکزی و غرب آسیا قرار داشت، بازی بزرگ نامید (کولایی، ۱۳۸۴: ۱۱)؛ اما اکنون این منطقه ماهیت جدیدی پیدا کرده است و کنشگران خارجی ذی‌نفع راهبردهای تازه‌ای جهت مداخله در منطقه و صیانت از منافع خود در پیش گرفته‌اند. در همین رابطه تعداد بازیگران دخیل و سطح کنشگری آن‌ها، وسعت به مراتب بیشتری در قیاس با گذشته پیدا کرده است. هم‌اکنون از اصطلاح جدیدی به نام بازی بزرگ جدید^۲ در منطقه صحبت به میان می‌آید. این اصطلاح که از دهه ۱۹۹۰ در ادبیات ناحیه‌گرایی یا منطقه‌گرایی^۳ مطرح شده به رقابت میان بازیگرانی نظیر ایالات متحده آمریکا، فدراسیون روسیه، چین، پاکستان، ایران، ترکیه و هند اشاره دارد. مسائل مطرح در حوزه انرژی همچون تلاش جهت تسلط بر منابع انرژی و کنترل کریدورهای حمل‌ونقل (Olcott, 2013: 1)؛ در آسیای مرکزی ستون پایه بازی بزرگ جدید

1 . Joseph Rudyard Kipling

2 . New Great Game

3 . Regionalism

است. این منطقه علاوه بر منابع انرژی که از آن با عنوان خاورمیانه دوم یاد می‌کنند، دارای موقعیت گذرگاهی ویژه و راهبردی جهت صادرات و واردات کالا از شرق به غرب و بالعکس است. بازی بزرگ جدید منجر به این مسئله شده که برخی کنشگران خارج از منطقه که حضور کمتری در این گستره دارند از اهرم نیابتی^۱ تروریسم جهت ناامنی سازی موقعیت و حوزه‌های نفوذ رقبا بهره‌برداری کنند. این سیاست بیشتر توسط آمریکا، اسرائیل و عربستان سعودی با هدف بی‌ثبات‌سازی در مرزهای ایران، روسیه و چین مورد استفاده قرار می‌گیرد. به‌زعم آن‌ها این مسئله فرصت مناسبی جهت بهره‌گیری از کارت بازی عناصر سلفی - تکفیری در راستای امتیازگیری از رقبا با صرف هزینه‌های به مراتب کمتر است.

۳- لایه جهان‌بینی و گفت‌وگو

۳-۱- فقر اسلام‌گرایی و سازگاری با اسلام التقاطی

اسلام‌گرایی در آسیای مرکزی در دوره‌های متفاوت زمانی مراحل مختلفی را گذرانده است که به تناسب هر دوره و ویژگی‌ها و خصوصیات حاکم بر آن وضعیت متفاوتی داشته است. بر این اساس می‌توان اسلام‌گرایی در این منطقه را به سه دوره زمانی قبل از اتحاد جماهیر شوروی، دوران اتحاد جماهیر شوروی و دوران بعد از فروپاشی آن تقسیم نمود. در دوره اتحاد شوروی، سیاست‌های اسلام‌ستیزی در منطقه آسیای مرکزی دنبال شد. در اواخر دهه ۱۹۲۰ استالین روندی را که در جهت محو تشکیلات مستقل مذهبی طراحی شده بود دنبال نمود و تمام امور متعلق به نهادهای دینی و روحانی ملغی شد، مساجد و مدارس بسته شد، هزاران روحانی اعدام و یا روانه زندان‌های اردوگاهی شدند. دولت شوروی بر اساس آموزه‌های مارکسیستی، نابودی اسلام را با طراحی و اجرای اصلاحات در نظام آموزشی، هنر و تبلیغات مذهبی به‌طور جدی پیگیری می‌کرد. به‌طورکلی تا زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، اسلام و اسلام‌گرایان در انزوا قرار گرفتند و از جهان اسلام جدا ماندند که در نابودی هویت اسلامی و ملی مردم آسیای مرکزی نقش مهمی داشت. با فروپاشی شوروی روند جدیدی در حیات سیاسی و اجتماعی اسلام‌گرایان این منطقه شکل گرفت. با شکل‌گیری پنج جمهوری جدید و مستقل در آسیای مرکزی تحولات جدیدی در این منطقه آغاز گردید. مردم مسلمان

.....
1 . Regionalism

منطقه که در دوران کمونیسم به طور مستمر تحت تأثیر تبلیغات شدید علیه اسلام قرار داشتند در پایان این عصر، توجه به اسلام را به عنوان بخشی از هویت خود آغاز کردند (فوزی و پایاب، ۱۳۹۱: ۳۷). به عبارتی دیگر بعد از فروپاشی شوروی و استقلال این جمهوری‌ها، مردم منطقه رویکرد بازگشت به هویت تاریخی و فرهنگی خود را در پیش گرفتند. این در حالی بود که خلاً چشمگیری در حوزه شناخت دقیق و واقعی از مبانی اعتقادی اصیل اسلامی در این زمینه وجود داشت که آسیب‌پذیری مسلمانان را در این مورد افزایش می‌داد. در چنین فضایی مروجان وهابی از فرصت پیش آمده استفاده کردند و تصویری از اسلام مدنظر خود را با قرائت وهابی گری به مردم عرضه کردند (اخوان کاظمی و دیگران، ۱۳۹۷ ب: ۸). این امر سبب گرایش افرادی که خواهان بازگشت به هویت دینی و اسلامی خود بودند به اسلام جدید در چارچوب تفکر وهابیت شد.

می‌توان گفت در آسیای مرکزی و حاکمیت دوره‌های مختلف زمانی و وضعیت متفاوت اسلام‌گرایی در آن، شاهد نوعی دوگانی و تضاد همراه با شکل‌گیری اسلام مبتنی بر آموزه‌های التقاطی هستیم. به عبارتی در دوران بعد از اتحاد جماهیر شوروی اگر چه اسلام و اسلام‌گرایی در این منطقه نسبت به دوره‌های قبل رشد پیدا کرد، اما با توجه به شکل‌گیری اندیشه‌های جدید اسلامی مبنی بر آموزه‌های جریان سلفی، نوعی التقاط در اسلام و باورهای مردم آن در منطقه شکل گرفته که نمونه بارز آن رشد و فعالیت احزاب و گروه‌های افراطی که مبتنی بر اندیشه‌های افراطی و بنیادگرا هستند، است. بعد از فروپاشی شوروی در این منطقه علاوه بر وجود جریان سنتی اسلامی و جریان صوفیگری که عمدتاً غیرسیاسی است، جریان‌ات و دیدگاه‌های اسلامی عمده آن تحت تأثیر اندیشه‌های سلفی و بنیادگرایی هستند که این امر سبب دور شدن از آموزه‌های اصیل اسلامی و شکل‌گیری هویت جدید که عمدتاً گرایش و تمایل به سمت این اندیشه‌های التقاطی متأثر از اندیشه‌های سلفی و وهابی و بنیادگرایانه است، شده است. امروزه هویت اسلام‌گرایی در آسیای مرکزی نه هویتی است اصیل و نه یک هویت متمایل به سکولار، بلکه ترکیبی از رادیکالیسم مبتنی بر وهابیت و سکولاریسم فاقد شریعت است در واقع آسیای مرکزی از نظر هویتی در یک سردرگمی گرفتار شده است و میانه‌روی و اعتدال مبتنی بر آموزه‌های اصیل اسلامی نتوانسته است در میان ملت‌های منطقه و احزاب اسلام‌گرا جای خود را پیدا نماید. همین امر زمینه نفوذ، فعالیت و گسترش هر چه بیشتر گروه‌های افراطی و بنیادگرایانه از جمله داعش و تبدیل نمودن این منطقه به عنوان پایگاه جدید برای خود بعد از شکست در سوریه و عراق را افزایش می‌دهد.

۴- لایه استعاره و اسطوره

۴-۱- قداست جهاد بین افراط‌گرایان و مبارزه با مظاهر شرک در نظر آن‌ها

جهاد از مبانی بنیادین اندیشه سلفی و بنیادگرایانه و اصلی‌ترین هنجار رفتاری آنان است. مشروعیت جهاد از دیدگاه آنان با کج‌اندیشی و استناد ظاهرگرایانه به کتاب و سنت اثبات می‌شود. کُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ (بقره، ۲۱۶). فقهای دین از جمله ابن‌تیمیه جهاد را بزرگ‌ترین فرضیه می‌دانند حتی بالاتر از نماز و روزه. گروه‌های سلفی تکفیری مانند داعش، بر اساس آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ» (قرآن کریم؛ توبه ۱۲۳) بر اولویت جهاد علیه دشمن نزدیک (شیعیان) تأکید می‌کنند (آدمی، مرادی، ۱۳۹۴: ۵۳). بدین ترتیب می‌توان گفت یکی از مشخصه‌های اصلی گروه‌های افراط‌گرا، استفاده از راهبردها و استراتژی‌های جهادی و خشونت‌آمیز برای رسیدن به اهداف خود که همان تلاش برای تشکیل دولت اسلامی و از بین بردن حکومت‌ها و گروه‌های فاسد است. بر همین مبنا در منطقه آسیای مرکزی نیز گروه‌های افراطی حاضر در این منطقه با تأکید بر روش‌های افراطی و خشونت‌آمیز تلاش می‌نمایند تا به اهداف خود که همان مبارزه با مظاهر شرک از طریق به‌کارگیری روش‌های خشونت‌آمیز و جهادی است، دست یابند. در یک جمع‌بندی از مجموع مباحث مطرح شده در این قسمت می‌توان گفت، روش تحلیل لایه‌های علی به عنوان یکی از روش‌های بررسی آینده به دنبال شناخت لایه‌ها و عوامل تأثیرگذار بر موضوعات مختلف است. در ارتباط با بنیادگرایی در آسیای مرکزی و زمینه‌های نفوذ آن در منطقه تلاش شد در چهار سطح مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر موضوع و مبانی شکل‌دهنده به این دیدگاه فکری مورد بررسی قرار گیرد.

ت- سناریوهای آینده گروه‌های سلفی - تکفیری در آسیای مرکزی

در صورتی که بخواهیم بر اساس لایه‌های شکل‌دهنده به رشد افراط‌گرایی در آسیای مرکزی و از برهمکنش آن‌ها با روندهای موجود در این منطقه در راستای علم آینده‌پژوهی سناریو پردازی کنیم، می‌توان سناریوهای آینده افراط‌گرایی در آسیای مرکزی را در جدول زیر نشان داد:

جدول شماره ۱- سناریوهای آینده افراط‌گرایی در آسیای مرکزی

سناریوهای گسترش افراط‌گرایی در آسیای مرکزی					
سناریوی سوم	سناریوی دوم	سناریوی اول			
مه‌ار رادیکالیسم (مهاجرت افراط‌گرایان)	رادیکالیسم اعتقادی	قیام خشونت‌آمیز جهادگرایان	گسترش افراط‌گرایی در آسیای مرکزی	لایه لیتانی	
خشتی شده	تأثیرگذاری حداقلی	تأثیرگذاری حداکثری	ترویج آموزه‌های وهابیت	لایه نظام‌های علی	
خشتی شده	تأثیرگذاری حداقلی	تأثیرگذاری حداکثری	وجود احزاب بنیادگرا		
خشتی شده	تأثیرگذاری حداقلی	تأثیرگذاری حداکثری	معضلات اجتماعی و بحران‌های اقتصادی		
خشتی شده	تأثیرگذاری حداقلی	تأثیرگذاری حداکثری	تنش‌های قومی و منازعات سرزمینی		
خشتی شده	تأثیرگذاری حداقلی	تأثیرگذاری حداکثری	خلأ اقتدار در منطقه		
خشتی شده	تأثیرگذاری حداقلی	تأثیرگذاری حداکثری	همسایگی با القاعده		
خشتی شده	تأثیرگذاری حداقلی	تأثیرگذاری حداکثری	بحران دولت - ملت‌سازی		
خشتی شده	تأثیرگذاری حداقلی	تأثیرگذاری حداکثری	نقش و مداخله قدرت‌های بزرگ		
خشتی شده	تأثیرگذاری حداقلی	تأثیرگذاری حداکثری	فقر اسلام‌گرایی و سازگاری با اسلام التقاطی		لایه جهان‌بینی - گفتمان
خشتی شده	تأثیرگذاری حداقلی	تأثیرگذاری حداکثری	قداست جهاد در بین افراط‌گرایان		لایه استعاره و اسطوره

(منبع: محقق ساخته)

در جدول بالا سناریوهای احتمالی برای آینده افراط‌گرایی در منطقه آسیای مرکزی بررسی و وضعیت هر یک از متغیرها در لایه‌های مختلف در ارتباط با سناریوی مورد نظر مورد ارزیابی قرار گرفته است. در ادامه هر یک از سناریوها به صورت جداگانه تجزیه و تحلیل می‌گردد:

۱- قیام خشونت‌آمیز جهادگرایان

قیام خشونت‌بار افراط‌گرایان در صورتی اتفاق می‌افتد که همچنان وهابیت با آموزه‌های افراطی و غلط خود که برخاسته از خشونت است در این منطقه آزادانه به تبلیغ خود در پوشش‌های مختلف ادامه داده و بر عملکرد احزاب بنیادگرا تأثیرگذار باشد. در واقع با توجه به وجود آموزه‌های ناشی از افراط‌گرایی در منطقه، احزاب رادیکال و بنیادگرا بیش از گذشته دامنه فعالیت‌های رادیکال خود را افزایش داده که این امر در درازمدت آثار و نتایج مخربی ایجاد کرده و سبب تشدید هر چه بیشتر خشونت در منطقه می‌شود. در چنین شرایطی وجود معضلات اجتماعی و بحران‌های اقتصادی موجود در منطقه سبب تشدید فعالیت‌های افراطی و گرایش افراد ناراضی در این منطقه به سمت این گروه‌ها می‌شود. به عبارتی دولت‌های این منطقه به علت ساختار سیاسی فرسوده و ناکارآمدی که دارند در نهادینه نمودن بحران‌های اجتماعی موجود در جامعه اثرگذار بوده و جنبش‌های بنیادگرا راه‌حل مشکلات اقتصادی و ساختاری موجود در جامعه را نه در اصلاح بلکه در رادیکالیسم اعتقادی و عملی می‌بیند. این امر در سایه دخالت قدرت‌های بزرگ که درصدد هستند با گسترش هرچه بیشتر فعالیت گروه‌های رادیکال به اهداف خود در منطقه دست یابند، تشدید می‌شود.

از طرف دیگر حضور گروه‌های رادیکال و افراطی در کشورهای همسایه از جمله القاعده در شمال افغانستان و داعش در سوریه و عراق و دامنه فعالیت آنان بر تشدید فعالیت این گروه‌ها در منطقه تأثیرگذار بوده با توجه به گرایش‌های بنیادگرایی رادیکالی که سال‌هاست در منطقه شمال افغانستان وجود دارد و ثمره آن القاعده و طالبان است که امروز توانسته حاکمیت افغانستان را هم در دست بگیرد تصور غالب بر این است که هدف اول گروه‌های سلفی، مهاجرت به این منطقه و سپس عزیمت به دره حاصلخیز فرغانه و نهایتاً فعالیت در سراسر منطقه آسیای مرکزی است.

۲- رادیکالیسم اعتقادی

رادیکالیسم اعتقادی هم بدین معنا است که آسیای مرکزی همچنان مستعد بحران افراط‌گرایی

است، اما به علت درپیش گرفتن سیاست‌های اصلاح‌گرایانه ساختاری در سطح دولت‌ها، نقش لایه نظام‌های علی شکل‌دهنده به افراط‌گرایی به حداقل ممکن رسیده و قدرت‌های پیرامونی نظیر ایران و روسیه نیز اجازه ظهور افراط‌گرایی مبتنی بر عمل جهادی و به هم خوردن نظم آسیای مرکزی را نخواهند داد. همچنین با توجه به تلاش صورت گرفته توسط دولت‌ها برای حل مسائل و مشکلات اقتصادی و اجتماعی موجود تا حدودی شرایط کشورهای منطقه از لحاظ شاخصه‌های زندگی و وضعیت اقتصادی و اجتماعی بهبود یافته و با توجه به رضایت نسبی ایجاد شده بین افراد و گروه‌های ساکن در این کشورها، انگیزه و زمینه لازم برای پیوستن آنان به گروه‌های رادیکال کم‌رنگ می‌شود. در این سناریو اگرچه پایه‌های رادیکالیسم تضعیف شده است اما رادیکالیسم به‌هیچ‌وجه ریشه‌کن نشده است و ممکن است با از بین رفتن شرایط مطلوب نسبی و به وجود آمدن نارضایتی در جامعه زمینه برای رشد مجدد آنان فراهم گردد. در این سناریو گروه‌های افراط‌گرا به علت شرایط جدید ناچارند که در قالب هسته‌های مخفیانه به حیات خود در این منطقه ادامه دهند. به علاوه از میزان فعالیت و حضور احزاب رادیکال و بنیادگرا و گروه‌هایی که مبتنی بر آموزه‌های وهابی رادیکال هستند، کاسته می‌شود؛ بنابراین نکته بارز این سناریو وجود رادیکالیسم اعتقادی در منطقه است اما این حضور و فعالیت آنان مانند سناریوی اول برجسته نبوده و با توجه به بهبود شرایط کم‌رنگ می‌شود. در نقطه مقابل و در صورت فراهم شدن شرایط قبلی هر لحظه ممکن است این منطقه با فعالیت هرچه بیشتر گروه‌های افراطی و خشونت طلب مواجه شود. به عبارتی این سناریو حالت میانه را دارد که در صورت اصلاح هر چه بیشتر متغیرهای لایه نظام‌های اجتماعی و بهبود شرایط زمینه برای حرکت به سمت سناریوی ایده آل که سناریوی بعدی است، فراهم می‌شود.

۳- مهار رادیکالیسم (مهاجرت افراط‌گرایان)

سناریوی سوم که به عنوان سناریوی مطلوب و ایدئال برای آینده منطقه آسیای مرکزی است سناریوی است که تمامی لایه‌های شکل‌دهنده به افراط‌گرایی در آسیای مرکزی و عوامل آن خنثی شده است و فعالیت گروه‌ها و احزاب بنیادگرایی که با عقاید رادیکال خود سبب تشدید هرچه بیشتر افراط‌گرایی در منطقه می‌شوند به طور کامل از بین می‌رود. از طرفی با توجه به اتخاذ سیاست‌های راهبردی مناسب برای حل معضلات و مشکلات اقتصادی کشورهای منطقه، مردم این مناطق در وضعیت بسیار خوبی به سر برده و به طور کلی گرایش آنان به سمت فعالیت‌های رادیکال و افراطی در

سایه رفاه و آرامش به وجود آمده بسیار کم‌رنگ شده و حتی در صورت فعالیت گروه‌های رادیکال، انگیزه‌ای برای پیوستن به این گروه‌ها و فعالیت در قالب گروه‌های افراطی و رادیکال برای رسیدن به اهداف خود (همانند سناریوی اول) نداشته باشند و از طرفی با ایجاد اقتدار مرکزی و برتر از طریق اتحاد و پیوستگی بین کشورهای منطقه، گروه‌های افراطی نمی‌توانند در این منطقه نفوذ کرده و به فعالیت خود ادامه دهند؛ بنابراین این سناریو سناریوی مطلوب و ایدئال برای منطقه آسیای مرکزی و قفقاز بوده که در سایه شرایط به وجود آمده، منطقه‌ای کاملاً آرام و به دور از فعالیت گروه‌های رادیکال شکل می‌گیرد، حتی با وجود فعالیت و حضور حداقلی یا حداکثری این گروه‌ها در کشورهای همسایه و اطراف با توجه به از بین رفتن زمینه‌های لازم برای نفوذ به این منطقه، شاهد هیچ فعالیتی در منطقه مورد نظر توسط این گروه‌ها نبوده و این امر در درازمدت سبب انسجام و همبستگی اجتماعی و حتی کم‌رنگ شدن نقش قدرت‌های بزرگ در هدایت تحولات این منطقه دارد.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر ضمن بهره‌گیری از روش تحلیل لایه‌لایه علت‌ها و سناریونویسی در پی پاسخ به این سؤالات است که بسترهای اصلی گسترش افراط‌گرایی و تروریسم در منطقه‌ی آسیای مرکزی کدام‌اند؟ چه سناریوهایی را می‌توان برای آینده اسلام‌گرایی رادیکال و به تبع آن گسترش گروه‌های افراطی و تروریستی در منطقه‌ی آسیای مرکزی برشمرد؟ در این پژوهش در لایه لیتانی افراط‌گرایی در آسیای مرکزی به عنوان مسئله اصلی شناسایی شد، سپس در لایه پایین‌تر دلایل اجتماعی مسائلی نظیر ترویج آموزه‌های وهابیت، بحران‌های اقتصادی (فقر و معیشت)، تنش‌های فرقه‌ای و قومی در منطقه، منازعات جغرافیایی و سرزمینی، وجود احزاب بنیادگرا و رادیکال، معضلات اجتماعی (بی‌سوادی و ناآگاهی‌های عمومی و...)، خلأ اقتدار (قدرت برتر) بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، همسایگی با القاعده در شمال افغانستان و بحران دولت - ملت‌سازی تشخیص داده شد. جملگی این مسائل از یک مسئله ریشه‌ای‌تر به نام جهان‌بینی و گفتمان‌ها تأثیر می‌پذیرند و به سخنی روشن‌تر خلأ وجود و تبیین ایدئولوژی دینی صحیح اسلامی در منطقه آسیای مرکزی منجر به وجود مشکلات زیادی شده است. نهایتاً در لایه چهارم مبرهن گردید که جهان‌بینی سازگاری با اسلام التقاطی در بین مردم و اعتقاد به مبارزه با شرک در بین افراط‌گرایان یکی از بنیادی‌ترین لایه‌ای است که به سطوح سه‌گانه

فوق شکل می‌دهد. شواهد و قرائن میدانی و همچنین مسائل ایدئولوژیکی نشانگر این است که منطقه آسیای مرکزی فضای مستعدی جهت فعالیت‌های تروریستی دارد، لذا هم‌اکنون گروه‌های تروریستی نظیر داعش با شکست‌های متحمل شده در منطقه غرب آسیا نگاه ویژه‌ای به این منطقه دارند. با این وجود در این رابطه نمی‌توان با قطعیت سخن گفت. بلکه برخی سناریوها را جهت کاستن از میزان عدم قطعیت‌ها مطرح ساخت. با توجه به مسائل مطرح شده، سه سناریو برای آینده تحولات در منطقه ترسیم نمودیم که از بین آن‌ها به نظر می‌رسد سناریوی اول به عنوان محتمل‌ترین سناریو برای آینده منطقه آسیای مرکزی باشد. بدین‌سان که افراط‌گرایی و تروریسم در این منطقه گسترش پیدا کند و با فعالیت‌های گسترده در منطقه دره فرغانه به یک‌باره قصد تسخیر بخش‌های گسترده‌تری از منطقه آسیای مرکزی را داشته باشد. در سناریوی دوم که بررسی شد، این احتمال وجود دارد که سیاست‌های امنیتی و اطلاعاتی ایران، روسیه و چین روند قدرت‌گیری افراط‌گراها را مختل سازند و نهایتاً این گروه‌ها فعالیت‌های مخفی را در دستور کار قرار دهند و در موعد مقرر با دستورهای جهادی انفرادی برخی اقدامات تروریستی انجام دهند و در نهایت سناریوی سوم این است که نه تنها فضای امنیتی روزنه‌ای برای اقدامات عناصر تکفیری نگذارد بلکه حتی امکان فعالیت‌های مخفی نیز نداشته باشند، لذا آن‌ها با رویگردانی از این منطقه سعی می‌کنند به مناطقی از شمال آفریقا نقل مکان کنند. به همین خاطر این مسئله خوانشی از امنیت و ثبات ناشی از فقدان افراط‌گرایی در آسیای مرکزی است. در صورت به وقوع پیوستن سناریوی محتمل باید بیان داشت که امنیت ایران در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی و همچنین حضور بیشتر ناتو در مرزهای شمال شرقی به خطر می‌افتد، از سوی دیگر چنانچه زمینه‌های فعالیت تکفیری‌ها از بین برود بالتبع امنیت ایران در حوزه‌های موضوعی مختلف ارتقاء پیدا خواهد کرد.

تهدید تروریسم تکفیری منبعث از وهابیت، با وجود مدارس بنیادگرای سعودی‌ها در سرزمین‌های اسلامی، تهدیدی دائمی و پایدار خواهد بود و به اشکال مختلفی ظهور و بروز خواهد داشت. بهترین راه‌کار در کنار سرکوب فیزیکی تروریسم سلفی، تلاش فرهنگی گسترده در غرب آسیا و آسیای مرکزی و خارج از آن برای پیرایش دین مبین اسلام از حرکت‌های افراطی و التقاطی و تبیین حقایق آن، برای جلوگیری از حاکمیت قرائت سلفی - تکفیری در بین پیروان این دین خواهد بود. (اخوان کاظمی و دیگران، ۱۳۹۷: الف ۲۱۰). در جدول ذیل به برخی از مهم‌ترین راهکارهای مقابله با گروه‌های تکفیری اشاره شده است.

جدول شماره ۳- راه‌کارهای مهار گروه‌های تکفیری و سلفی‌گری در آسیای مرکزی

ردیف	راهبرد
۱	تشکیل یک پیمان امنیت منطقه‌ای در بین کشورهای منطقه و همسایگان فارغ از هر گونه قومیت و مذهبی حول محور مبارزه با تروریسم.
۲	به‌کارگیری دیپلماسی فرهنگی و افزایش تعاملات با گروه‌های میانه‌روی اسلام‌گرا در آسیای مرکزی در جهت آشنایی بنیادین با معارف اسلامی توسط مراکز فرهنگی رسمی و غیررسمی ایران.
۳	همکاری دسته‌جمعی در جهت برطرف ساختن مشکلات و زمینه‌های گرایش مردم این منطقه به افراط‌گرایی؛ از جمله تلاش هماهنگ کشورهای ذی‌نفع در این منطقه به منظور بهبود اوضاع اقتصادی و به تبع رفع مسائل حاد اجتماعی.
۴	هماهنگی اطلاعاتی، امنیتی و نظامی کشورهای قدرتمند منطقه همانند ایران و روسیه و چین و کمک با دستگاه‌های اطلاعاتی و نظامی این کشورها که بعضاً دارای برخی ضعف‌های بنیادی هستند.
۵	تلاش جهت پایان دادن به اختلافات و تنش‌های مرزی و قومی در این منطقه با محوریت همکاری میان همسایگان و کشورهای هم‌جوار.
۶	فشارهای منطقه‌ای و بین‌المللی بر عربستان سعودی در جهت قطع منابع مالی تروریسم سلفی در آسیای مرکزی که در پوشش بنیادهای خیریه در اختیار گروه‌های افراطی قرار داده می‌شود.
۷	همکاری اطلاعاتی با کشورهای افغانستان و پاکستان جهت انسداد کربدورهای رفت‌وآمد عناصر افراط‌گرا از مسیر این کشورها.
۸	انجام اصلاحات ساختاری در منظومه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی - اجتماعی کشورهای آسیای مرکزی.

(منبع: محقق ساخته)

منابع

الف- منابع فارسی

- اخوان کاظمی، مسعود، نیکونهاد ایوب و صادقی شمس‌الدین (۱۳۹۷ الف)، «آینده‌پژوهی گروه‌های تکفیری و تأثیر آن‌ها بر منازعات منطقه‌ای در غرب آسیا»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، شماره ۲۴.

- اخوان کاظمی، مسعود، صادقی، سید شمس‌الدین، لطفی، کامران (۱۳۹۷ ب)، «تحلیل زمینه‌های سیاسی و اجتماعی حضور داعش در آسیای مرکزی (از تهدید نفوذ تا واقعیت حضور)»، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، سال یازدهم، شماره ۱، صص ۱-۲۱.
- اسلامی، محسن و ایاز، بهروز (۱۳۹۶)، «بررسی علل نفوذ داعش در آسیای مرکزی و پیامدهای احتمالی آن»، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*، سال ششم، شماره ۲۱.
- امیراحمدیان، بهرام و ناصری، مهدی (۱۳۹۲)، «بحران آب در آسیای مرکزی: با تأکید بر مناقشه کشورهای منطقه بر سر مسئله آب»، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، سال ششم، شماره ۱۲، صص ۱-۲۰.
- دیانت، محسن، فرهادی محمد و عباسی قادی، مجتبی (۱۳۹۷) «بررسی رابطه بین شاخص‌های اقتصادی و گرایش به اسلام افراطی در آسیای مرکزی (مطالعه موردی: داعش)» *فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی* دوره ۱۱، شماره ۱، صص ۱۰۱-۱۲۱.
- زارع، محمد (۱۳۹۴)، «پیامدهای استراتژیک پیوند داعش و اوغورهای سین‌کیانگ برای چین»، *مرکز تحقیقات استراتژیک*، گزارش شماره ۱۲.
- عباسی قادی، مجتبی، فرهادی، محمد و دیانت، محسن (۱۴۰۰)، «طراحی و اعتبارسنجی مدل مطلوب راهکارهای مقابله با تهدیدهای امنیتی اسلام‌گرایی تندرو در آسیای مرکزی، با تأکید بر نقش ایران» *مطالعات اوراسیای مرکزی*، دوره ۱۴، شماره ۱، صص ۲۷۵-۳۰۱.
- عباسی، مهدی (۱۳۸۹)، «زمینه‌های رشد اسلام‌گرایی رادیکال در آسیای مرکزی و قفقاز»، *فصلنامه تحلیلی مطالعاتی موسسه آران*، سال نهم شماره ۲۲۷-۲۲۸.
- کبریایی زاده، علی (۱۳۹۱)، *روند اسلام‌گرایی در کشورهای آسیای مرکزی؛ پیامدها و چالش‌ها برای جمهوری اسلامی ایران*، چاپ اول، تهران: موسسه فرهنگی، هنری و انتشارات و بین‌المللی الهدی.

- کولایی، الهه (۱۳۸۴)، *بازی بزرگ جدید در آسیای بزرگ: زمینه‌ها و چشم‌اندازها*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- محرمی، توحید (۱۳۹۹)، «ناسازگاری افراط‌گرایی و خشونت با مفهوم جهاد در اسلام»، فصلنامه *مطالعات فرهنگ ارتباطات*، سال بیست و یکم، شماره ۵۰.
- مجیدی، محمدرضا، باقری، یوسف (۱۳۹۷)، «زمینه‌های پیدایش و رشد تندروی در آسیای مرکزی: مطالعه موردی داعش» فصلنامه *تحقیقات سیاسی بین‌المللی*، شماره ۳۴، صص ۱۵۱-۱۷۵.
- مؤمنی، مجید رضا، رستمی، بنفشه و رحیمی لاهی، آزاده، «مطالعه جریان‌های افراطی‌گری اسلامی: مطالعه موردی داعش» فصلنامه *سیاست خارجی*، سال ۳۰، صص ۶۱-۸۳.

ب- منابع انگلیسی

- Afzal, Amina, (2003), India's Growing Influence in Central Asia: Implication's for Pakistan", *Journal of Strategic Studies*. Associated With The Land Use And Land Cover Changes In Portugal, Sustainability 2017, 9, 351, Doi:10.3390/Su9030351.
- Babu, Suresh and Reidhead, William (2000), "Poverty, Food Security, and Nutrition in Central Asia: a Case Study of The Kyrgyz Republic", *journal of International*.
- Dyner, Anna And Others (2015), Ready To Go? Isis And Its Presumed Expansion Into Central Asia, No. 19 (121), Pism, *Polski Instytut Spraw Międzynarodowych*.
- Eucam Watch, (2012), NATO and Central Asia: The two Elephants that Never Meet, *EU-Central Asia Monitoring*, No 11.
- Idrees, Muhammad, (2016) "Extremism In Central Asia And Afghanistan", *Norwegian Institute Of International Affairs*, Central Asia Policy Briefs, 41.

- Gibbons, Jonathan And Others(2018) “Afghan Opiate Trafficking Along The Northern Route, Afghan Opiate Trade Project (Aotp), Within The Drug Research Section (Drs)” At *The United Nations Office On Drugs And Crime (Unodc)*, P.O. Box 500, 1400, Vienna, Austria. Idrees, Muhammad(2015), *Radicalization And Violent*
- International Crisis Group, (2015), “Syria Calling: Radicalisation in Central Asia, Crisis Group Europe and Central Asia” *Briefing N°72*, 20 January 2015.
- International Crisis Group, (2003), “Is Radical Islam Inevitable in Central Asia? Priorities for Engagement”, *ICG Asia Report N°72*, 22 December 2003.
- Kaner, Cem(2003), “An Introduction to Scenario Testing,” A slightly less complete version of this was published in *Software Testing & Quality Engineering (STQE) magazine*, NSF Grant EIA-0113539 ITR/SY+PE.
- Schweitzer, Yoram and Einav, Omer, (2016), *The Islamic State: How Viable Is It?*, Institute for National Security Studies (INSS).
- Tu Dang, Raghendra, (2009), Vulnerability to Poverty in Select Central Asian Countries, *The European Journal of Comparative Economics*, Vol. 6, n.1, pp. 17 - 50.
- Zhussipbek, Galym (2017), “Political Islam in the Central Asian Context: after 25 Years of Independence”, *Researchgate*, pp.9192, Available at: https://www.researchgate.net/publication/317503881_Political_Islam_in_the_Central_Asian_Context_After_25_years_of_Independence, (Accessed on: 15/5/2019).
- Guardian(C) (2015), *Isis Actively Recruiting in Afghanistan, Says US General*”, 23 May 2015, Available at: <http://www.theguardian.com/world/2015/may/23/isis-actively-recruiting-afghanistan-us-general>.
- Olcott, Brill Olcott (2013), *China's Unmatched Influence in Central Asia*, Carnegie Endowment for International Peace, Available at: <http://carnegieendowment.org/2013/09/18/china-s-unmatched-influence-in-central-asia/gnky>, Accessed on: 20 June 2015.

- Sputniknews (2016), conflict on water in central asia, available at: <https://ir.sputniknews.com/opinion/201603221309878/>
- Peter Sinnott, (2009) "Peeling the Waziristan Onion: Central Asians in Armed Islamists Movements in Afghanistan and Pakistan," *China and Eurasia Forum Quarterly*, vol.7, no. 4: 41.
- Olivier Roy, (2000) The Foreign Policy of the Central Asian Islamic Renaissance Party, *Council of Foreign Relations* New York, 6.